



163F

163

F

نام:

نام خانوادگی:

محل امضا:

صبح جمعه  
۱۳۹۵/۱۲/۶  
دفترچه شماره (۱)



«آگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.  
امام خمینی (ره)»

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
سازمان منagens آموزش کشور

آزمون ورودی  
دوره دکتری (نیمه‌تممرکز) داخل – سال ۱۳۹۶

رشته امتحانی زبان و ادبیات عرب (کد ۲۱۱۰)

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سوال: ۱۰۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سوالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سوال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی (ترجمه متون – صرف، نحو و مهارت‌های زبانی – علوم بلاغی (معانی، بیان و بدیع) – تاریخ ادبیات عربی – نظم و نثر قدیم و جدید عربی)	۱۰۰	۱	۱۰۰

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

اسفندماه – سال ۱۳۹۵

حق چاپ، نگذار و منتشر سوالات به هر روش (الکترونیکی و ...) پس از برگزاری آزمون، برای تعلیم اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با مخالفین برای مقزرات رفتار می‌شود.

## ■ ■ عین الأصح و الأدق في الترجمة أو المفهوم أو التعريب (١٢ - ١)

١- «يَنْبَأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَنْذَ بِمَا قَدَمْ وَآخَرْ». عِينُ الْأَقْرَبُ لِمَفْهُومِ الْآيَةِ الْكَرِيمَةِ:

١) «كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا»

٢) «كَذَلِكَ نَقْصَنَ عَلَيْكَ مِنْ أَبْيَاءِ مَا قَدْ مَبَقَّ»

٣) «يَوْمَ تَجِدُ كُلَّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مَحْضَرًا»

٤) «فَإِذَا جَاءَ أَجْلَهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْمِنُونَ»

٢- «فِي اللَّهِ لَكُلَّ سُعَةٍ وَلَكُلَّ عَلَى الْوَالِي حَقٌّ بِقَدْرِ مَا يَصْلِحُه!»:

١) برای هر وسعت و گشایشی نزد خدا امکانی هست و برای هر والی حقی هست به اندازه‌ای که کارشن را به اصلاح آوردا!

٢) برای هریک از آنان نزد خدا گشایشی است و هریک را بر والی حقی هست به مقداری که امور آنها را سامان دهد!

٣) در مورد خدا برای همه وسعتی هست و همگی حقی بر گردن والی دارند به مقداری که امور آنها سروسامان گیردا

٤) در راه خدا وسعت و گسترده‌گی وجود دارد و برای همه حقی بر دوش والیان قرار داده‌اند به اندازه‌ای که کارشن را به اصلاح آوردا!

٣- «مَا أَنْتُ إِلَّا كَابِلٌ ضَلْ رَعَاتِهَا، فَكَلَمًا جَمِعْتَ مِنْ جَاتِبِ انتَشَرَتْ مِنْ آخَرْ، لَا يَنْأِمُ عَنْكُمْ وَأَنْتُمْ فِي غَفَّةٍ سَاهُونَ!»:

١) شما فقط شبیه شترانی هستید که ساربانان آنها گم شده‌اند، از هر سو جمع آوری شوند، از سویی دیگر پراکنده می‌گردند، دشمنان از شما غافل نیستند، در حالیکه شما در غفلت غوطه‌ور هستید!

٢) شما بسان شترانی هستید که ساربان خویش را نمی‌شناسد، از هر سویی جمع می‌شوید، دوباره از سوی دیگر پراکنده می‌گردید، از شما غفلت نمی‌شود اما افسوس که شما از خویشن غافلیدا!

٣) شما همان شترانی هستید که ساربان خود را گم کرده‌اند و از هر طرف که گرد هم آیند، از طرفی دیگر پراکنده می‌شوند، کسی از دیگران غافل نیست ولی شما همچنان در غفلت بسر می‌بریدا!

٤) نیستید شما مگر شترانی که ساربان خویش را گم کرده‌اید، از هر طرف جمع شوید باز از یک طرف دیگر متفرق و پراکنده هستید، دشمنان در کمین شما هستند اما شما گویی در خواب غفلت هستید!

٤- «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ قَدْ أَسْنَدُوا إِلَيْنَا أَمْرًا بَعْدَ أَنْ تَقَارَعُوا بِالسَّيُوفِ وَتَشَاقُوا بِالْزَمَاحِ!»:

١) این کار را مسلمانان وقتی به ما سپرندند که چه با شمشیر چه با نیزه با هم جنگیده بودند!

٢) این کار را مسلمین به ما ارجاع دادند، چون بر روی یکدیگر شمشیرها کشیدند و نیزه‌ها زدند!

٣) مسلمین بعد از آنکه با شمشیر جنگیدند و بر روی هم نیزه کشیدند، چنین کاری را به ما سپرندند!

٤) مسلمانان بعد از آنکه بر روی یکدیگر شمشیرها کشیدند و نیزه‌ها زدند، کاری را به ما واگذار کردند!

# پی اچ دی تست؛ اولین وب سایت تخصصی آزمون دکتری

- ۵ «بعث رسولًا إلى هذا الأمير يتهادد و يتوعَّد و يطلب بعض الحصون المتأخمة له من بلاده!»:
- ۱) فرستاده را بسمت این حاکم گسیل داشت بهمراه وعد و وعید، و از او درهایی را می‌خواست که داخل مرزهای کشورش بودا!
- ۲) رسولی را به نزد حاکم گسیل داشت درحالیکه همراه وعد و وعید بود، و از او یکی از قلاع داخل مرزهای کشور خود را می‌خواست!
- ۳) فرستادهای را به نزد این امیر فرستاد بهمراه تهدید و وعد و وعید و از او بعضی دزهای هم مرز خود از سرزمینش را مطالبه می‌کردا!
- ۴) رسول خود را بسوی امیر فرستاد درحالیکه تهدید می‌کرد و وعد و وعید می‌داد، و از او قلعه‌های داخل مرز سرزمینش را می‌خواست!
- ۶ «الحرية الشخصية تعبر عن تحرر الإنسان في سلوكه الخاص من مختلف ألوان الضغط والتحديد، وأنه يملك إرادته وفقاً لرغباته الخاصة!»:
- ۱) آزادی فردی بیانگر رهایی انسان است از هرگونه فشار و محدودیت در رفتار خاص خود، و اینکه او بر وفق تمایلات خاص خویش حاکم بر اراده خود می‌باشد!
- ۲) آزادیهای فردی رهایی انسان را می‌خواهد از هرگونه فشار و محدودیت در روشهای ویژه خود، و اینکه طبق خواسته‌های خویش مالکیت اراده خود را احراز کند!
- ۳) آزادی شخصی رهایی انسان را تأمین می‌کند از هر نوع فشار و محدودیت در روشهای خاص خویش، چه او بر طبق تمایلات ویژه خود مالک اراده خویش است!
- ۴) آزادیهای شخصی بیانگر آزادی فرد است در اعمال خود از هرگونه فشار و محدودیت، چه انسان بر حسب خواست خود حاکم بر اراده خویش است!
- ۷ «فلمَ رأى أَن لا قَرْاز يَقْرُهُ وَ أَنْ هُوَ أَسْمَاء لَا بَذَ قَاتِلَهُ ترَحَّلَ مِنْ أَرْضِ الْعَرَقِ مَرْقَشٌ عَلَى طَرِبٍ، تَهْوِي سِرَاغًا رَوَاحَهُ!»:
- ۱) وقتی دید که هیچ آرامشی او را آرام نمی‌کند و عشق اسماء حتماً قاتل اوست، مرقش با اضطراب از سرزمین عراق هجرت کرد، درحالیکه شتران سفری و بارکش او سرعت می‌گرفتند!
- ۲) هنگامی که دید آرامش ندارد و دوستی اسماء ناگزیر او را خواهد کشت، مرقش با نگرانی بسیار از عراق کوچک کرد درحالیکه شترانش دوست داشتند که با سرعت حرکت کنند!
- ۳) آنگاه که به این نتیجه رسید که هیچ آسودگی در پی او نخواهد بود و دوستی با اسماء قاتل اوست، مرقش از سرزمین عراق بار سفر بست، اما شتران آهنگ سفری پرشتاب را داشتند!
- ۴) چون یقین کرد که آرامشی برای او استقرار نمی‌یابد و عشق اسماء عاقبت باعث مرگ او خواهد بود، مرقش عراق را ترک کرد در حالیکه مضطرب بود و شتران همسفر او در طلب سرعت بیشتر بودند!

-۸ «إذا كان حظي الهرج منكم ولم يكن بعده، فذاك الهرج عندي هو الوصول!»:

۱) إذا كان نصيبي منكم الهرج لا أبالي بالوصول، فالبعد خير لي!

۲) إن هجرتمني ولم يكن البعاد، كان ذلك الهرج هو الوصول نفسه!

۳) إن لم يكن نصيبي من هجركم غير الوصول، فلا فرق لي بين القرب والبعد!

۴) إذا تركتم حظي و هجرتم فلا تبعدون مئي، لأن الهرج والوصل سينان عندي!

-۹ «فلا أنا يأتيني طريف بفرحة و لا أنا مما أحدث الذئر جازع». عين المناسب لمفهوم البيت:

۱) «إن تمسكم حسنة شوهم وإن تُصِبُّكم سيئة يفرحوا بها»

۲) «حتى إذا كنتم في الفلك و جربتم بهم بريح طيبة و فرحاوا بها جاءتها ريح عاصف»

۳) «و إنما إذا أذقنا الإنسان رحمة فرح بها، وإن تصيبهم سيئة بما قدّمت أيديهم فإن الإنسان كفور»

۴) «ما أصاب من مصيبة في الأرض ولا في أنفسكم إلا في كتاب... لكي لا تأسوا على ما فاتكم و لا تقرروا بما أنتم

-۱۰ «فإن مُتَّ، فانعبني بما أنا أهْلَهُ و شُفَّيْ عَلَيَّ الجَبَبُ، يا ابْنَةُ مَعْدٍ،

كَهْمِيٌّ؛ و لا يُقْعِي غَنَانِي و مَشَهْدِي!».

عين الخطأ: لا يحب الشاعر أن .....

۱) يقارن بيته و بين من لا يطلب معالي الهمة كما يطلبها هو!

۲) يسوئ بيته و بين رجل لا يشهد معارك الحرب كما يشهادها هو!

۳) لا تتدبر عليه بنت أخيه أبداً، بل تتعاه بما في شأنه و استحقاقه!

۴) تتدبر ابنة معبد و تشوق الجبب عليه فلا يستحق الشاعر بالتدبر!

-۱۱ «هنگامی که خداوند خواست این نشسته انسانی را کمال بخشد تمام حقایق عالم را به او اعطای کرد!»:

۱) لما أراد الله كمال هذه النشأة الإنسانية أعطاها جميع حقائق العالم!

۲) عندما أراد الله الكمال لهذه النشأة الإنسانية وهب لها الحقائق في العالم كلّه!

۳) إذا وقعت الإرادة الإلهية على إكمال هذه النشأة الإنسانية ألهما كلّ الحقائق في العالم!

۴) حين وقعت إرادة الإلهية على إكمال النشأة الإنسانية هذه أعطاها حقائق العالم جميعها!

-۱۲ «او در کارزار و رویارویی با دشمن بسیار جنگاور است، و اگر قحطی بوجود آید چون بهار کریم و سخاوتمند است!». عین المناسب لمفهوم:

۱) و إِنَا الْمَطْعُمُونَ، إِذَا قُدْرَنَا و إِنَا الْمَهَلُوكُونَ، إِذَا أَبْتَلَنَا!

۲) لَدِي أَسْدٌ شَاكِي السَّلَاحَ، مُفَدِّفٌ لَهُ لَبَدٌ، أَظْفَارُهُ لَمْ تُقْلَمْ!

۳) أَمْسَدٌ فِي اللَّقَاءِ وَرَدٌ هَمُوسٌ وَرَبِيعٌ، إِنْ شَمَرْتَ غَبَرَاءً!

۴) أَمْسَدٌ غَابٌ، فِإِذَا مَا فَرَعَوا غَيْرُ أَنْكَاسٍ، وَلَا هُوَجٌ هُذْرٌ!

■ ■ عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصRFي (١٣ - ٢٠)

١٣ - «نُودوا أَنْ تَلَكِمُ الْجَنَّةَ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كَنْتُمْ تَعْمَلُونَ»:

١) نُودوا: مبني للمجهول من باب مفاعة، «أن» تفسيرية ساقطة عن العمل، «تلكم» مشغول عنه و مرفوع مهلاً على الابتداء

٢) تلكم: إشارة للبعدين، حرف الكاف للخطاب و مضاف إليه، «الجنة» عطف بيان و مرفوع بالتبعية للمعطوف عليه «تلك»

٣) أُورِثْتُمُوا: مبني للمجهول من المجرد الثالثي، معنٌّ و مثال، و نائب فاعله ضمير «تم» البارز، و الواو حرف إشباع للضمة

٤) ها: ضمير متصل و مفعول به أول لفعل «أورثتم»، «ما» حرف مصدرى، و المصدر المؤذل مجرور بحرف الجر، تأويله بكونكم تعملون أو بعملكم

١٤ - «لَا تَكُونُوا مَنْ يَحْبِيْنَ بِدُعَةٍ قَدْ أُمِّيْتُ!»:

١) من: اسم غير متصرف - موصول عام - معرفة / مجرور مهلاً بحرف الجر، ممن: جار و مجرور و متعلقهما محذف، و مثبه الجملة خير «كان» منصوب مهلاً

٢) تكونوا: للمخاطبين - معنٌّ و أجوف (إعلاه بالقلب) / فعل مجزوم بحرف «لا» الناهية و علامة جزمه حذف نون الإعراب، اسمه ضمير الواو البارز

٣) أُميّت: للغائبة - مزيد ثالثي من باب إفعال (إماتة) - معنٌّ و ناقص / فعل و نائب فاعله الضمير المستتر، و الجملة فعلية و نعت و رابطها الضمير المستتر

٤) يحبون: للغائبين - مجرد ثالثي - معنٌّ و لفيف مفرون - متعذر - مبني للمعلوم / فعل مرفوع و فاعله ضمير الواو، و الجملة فعلية و صلة و عائدتها ضمير الواو

## ١٥ - «كم من أكلة منعت أكلات!»:

- ١) أكلات: جمع سالم للمؤنث - مشتق و اسم الهيئة - نكرة - معرب - منصرف / مفعول به و منصوب بالكسرة
- ٢) كم: اسم غير متصرف (خبرية) - كناية للعدد - نكرة - مبني على السكون / مبتدأ و مرفوع محل، و الجملة اسمية
- ٣) أكلة: مفرد مؤنث - جامد و اسم أو مصدر المرأة - نكرة - معرب / تمييز مفرد للمميّز «كم» الاستفهامية و مجرور بحرف «من» الزائدة
- ٤) منعت: ماضٍ - للغائية - صحيح و سالم - متعدٌ - مبني على الفتح / فعل و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره «هي» و الجملة فعلية و نعت للمنعوت «أكلة»

١٦ - «إن ينقطع منك الرجاء فإنه سيقى عليك الحزن ما بقي الدهر!»:

- ١) الرجاء: مفرد مذكر - جامد (مصدر) - معرف بأل - معرب - منصرف / فاعل و مرفوع
- ٢) ينقطع: مضارع - مزيد ثالثي (من باب انفعال) - متعدٌ / فعل شرط و مجزوم و فاعله «الرجاء»
- ٣) يبقى: للغائب - معتل و ناقص ((اعلاه بالإسكان و القلب) / فعل جواب شرط و مجزوم، فاعله «الحزن» و الجملة فعلية
- ٤) بقي: ماضٍ - مجرد ثالثي - متعدٌ / فعل و فاعله «الدهر» و الجملة فعلية و مصدر مؤول، و مفعول فيه تقديره «مذلة بقاء الدهر»

١٧ - «فمثل علاك لم أر في المعالي و لا تاجاً كتاجك في الجلال!»:

- ١) مثل: اسم جامد (غير مصدر) / مفعول به مقسم على فعله «أر» و منصوب
- ٢) أر: مزيد ثالثي من باب إفعال - معتل و ناقص - معرب / فعل مجزوم بحذف حرف العلة
- ٣) المعالي: جمع تكسير (مفرد: المعللة، مؤنث) / مجرور بفتحة مقدمة بسبب عدم الانصراف
- ٤) علا: مفرد مؤنث - معرب - مقصور - من نوع من الصرف / مضاد إليه و مجرور بكسرة مقدمة

١٨ - «كنت من كرتني أفر إليهم فهم كرتني، فلين الفرار!»:

- ١) الفرار: اسم - مفرد مذكر - مشتق و صفة مثبتة - معرف بأل - معرب - صحيح الآخر - منصرف / مبتدأ مؤخر و مرفوع، و الجملة اسمية
- ٢) أين: اسم غير متصرف من الأسماء الملزمة للإضافة و من أدوات الاستفهام/ ظرف أو مفعول فيه للمكان و متعلقه مذوف، و شبه الجملة خبر مقسم و مرفوع محلًّا
- ٣) كنت: مجرد ثالثي - معتل و أجوف ((اعلاه بالحذف) - مبني على السكون / فعل من الأفعال الناقصة و هي من النواسخ، اسمه ضمير التاء، و خبره شبه الجملة «من كرية»
- ٤) أفر: مضارع - للمتكلم وحده - صحيح و مضاعف ((إدغامه واجب) / فعل مرفوع و فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنا» و الجملة فعلية و خبر «كان» و رابطها الضمير المستتر

## ١٩ - « و أقني رجالی فبادوا معاً فاصبح قلبي بهم مستقرًا!»:

١) أصبح: مزيد ثلثي من باب إفعال / فعل جامد، من الأفعال الناقصة و هي من التوامخ، اسمه «قلب» و خبره شبه الجملة « بهم »

٢) معاً: اسم غيرمتصرف - معرب / حال مفردة و منصوب و عامل الحال « بادوا » و صاحب الحال ضمير الواو فيه

٣) مستقرًا: مفرد منذر - مشتق و اسم مفعول ( مصدره: استقرار ) - معرب - مقصور / خبر لأصبح و منصوب

٤) بادوا: للغائبين - مزيد ثلثي من باب مفاعة - معتل و أجوف/فاعله ضمير الواو البارز ، و الجملة فعلية الكهل و الشبان و الغلاما!»

## ٤٠ - « ما لي أراكم كلّكم قياماً

١) ما: اسم من أدوات الاستفهام، و مرتفع محالاً على أنه خبر مقدم، و المبتدأ ممحوظ و الجملة اسمية

٢) قياماً: مفرد منذر - مشتق و صفة مشبهة، و منصوب على أنه حال مفردة و عامل الحال فعل «أرى»

٣) كلّ: اسم غير متصرف من الأسماء الملازمة للإضافة و منصوب بالتبعة على أنه مؤكّد لفظي للنسبة

٤) الكهل: صفة مشبهة، و بدل تفصيل أو تفريع و منصوب إما بالتبعة أو على أنه مفعول به لفعل ممحوظ

## ■ عين المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٢١ - ٣٢)

### ٢١ - عين «قد» بمعنى التقليل:

١) الإعمار قد يطول سنوات و لكن التخريب يتم في لحظة!

٢) قد خلت هذه القرية من سكانها، فأصبحت لا زرع فيها!

٣) أخبرت بأنه قد وصلت الطالبات و قد تصل الأستاذة!

٤) واجهت في الطريق كرّة، فقد أرى صبايا لاعبين!

### ٢٢ - عين الخطأ (في صيغة الفعل):

١) نَدِي في الأرض قدْمك!

٢) امْضَى في الذي نهجه لك!

### ٢٣ - عين اللام يختلف نوعها:

١) « منَّاع للخير معَبِّ أثيم»

٢) « وَ عَلِمَناه صنْعَة لِبُوسِ لَكُمْ»

### ٢٤ - « اشترَك في التصويت .....». عين الخطأ للفراغ:

١) أحد عشر ألفاً من الناخبين!

٢) إثنتا عشرة ألفاً من الناخبين!

٣) إحدى عشرة ناخِبة و ألف ناخِب!

## ٢٥ - عین حرکة البناء ليست مقدرة:

- ١) يا فتى؛ أنت إيداً و أنا سأساعدك بكل قدرتي!
- ٢) الطفل بكى لأنّه كان يحس بالوحشة في غياب أمّه!
- ٣) لا رضي أحب من رضي الله، فهو يشمل كل رضي!
- ٤) هذه الكتب القيمة هي أنيستي ليلي أعاني الاضطراب!

## ٢٦ - عین «الفاعل» ضميراً مستترًا جوازاً:

- ١) قد نسيت جميع ذكرياتي خلا ما واجهتها في الجامعة!
- ٢) نعم عيشنا حياتنا ما أقبل الدهر علينا فأصبحنا سعداء!
- ٣) حبذا الكتاب يعلم كل سطوره درمنا مفيدها للمتعمدين في مفاهيمه!
- ٤) بعد أن طالع مقالات مختلفة ألف كتاباً فيما في المفاهيم القرآنية!

## ٢٧ - عین الصحيح في المبني للمجهول:

- ١) ألهانا التكاثر حتّى زرنا مقابرنا ← ألهينا حتّى زيرت مقابرنا!
- ٢) ألهامن التكاثر حتّى زاروا مقابرهم ← ألهيتم حتّى زاروا مقابرهم!
- ٣) ألهامكم التكاثر حتّى زرتم مقابركم ← ألهيتم حتّى زارت مقابركم!
- ٤) ألهاكن التكاثر حتّى زرتن مقابركن ← ألهين حتّى زيرت مقابركن!

## ٢٨ - عین ما يجب فيه تقديم المبدأ على الخبر:

- ١) إن يطالع دروسه بدقة فالنجاح حليفه!
- ٢) لكلام موجز يفيد خير لنا من سطور مسيبة لا فائدة منها!
- ٣) لي مئات مجلد من الكتب و الرسائل المختلفة لم أطالعها حتّى الآن!
- ٤) أين الذي يريد و يسعى فيه من الذي يريد أن يصل إلى مطلوبه دون اجتهاد!

## ٢٩ - عین اسم «أن» ضمير شأن محذف:

- ١) رعم أنه قد بایع بیده و لم بیایع بقلبه!
- ٢) اعلم أن النصر من عند الله سبحانه و لا غير!
- ٣) إني لأظنن بكم أن لو حمس الوغى، قد انفرجتم عنّي!
- ٤) و الله لأظنن أن هؤلاء القوم سيدالون منكم لاجتماعهم على باطلهم!

## ٣٠ - عین النعت السببي:

- ١) وفّر سمع لم يفقه الواعية!
- ٢) القرآن أنيق الظاهر و عميق الباطن!
- ٣) إن الخطايا خيل شمس حمل عليها أهلها!
- ٤) أيها الناس المجتمعة أبدانهم، فعلمكم يُطعم فيكم الأعداء!

٢١ - عین الصحيح في المفعول له (على أساس الأصل):

- ١) نحن إنصرفنا عن إبتياع ما لا يلزمنا إدخاراً للمال!
- ٢) طالعت هذا الكتاب و جمعت آراء مؤلفه إفاده منه!
- ٣) إنها صادقة في عملها و قولها، فأحترمها حباً لخلقها!
- ٤) بادرنا بتبيئية السلاح الحديث إحاطة العدو اللدود بنا!

٢٢ - عین الواو للعطف أقرب:

- ٢) تجادل بنتك و بنتي حول مسألة صغيرة!
- ٤) سرنا في الحديقة و الساقية التي تجري فيها!
- ١) فزت في هذه المباراة أنا و زميلي!
- ٣) كيف أنت و الأوضاع الحاضرة!

علوم بلاغي (معانى، بيان و بديع):

■ ■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٣٣ - ٤٢)

٣٣ - عین ما يختلف فيه سبب حذف المسند:

- ١) «فاعترفوا بذنوبهم فسحّوا لأصحاب السعي»
  - ٢) «فإئكم و ما تعبدون ؛ ما أنتم عليه بفاتين»
  - ٣) «لولا أن تداركه نعمة من ربّه لثبت بالعراء ...»
  - ٤) «ولئن سألتهم من نزل من السماء ما ... ليقولن الله»
- ٣٤ - «إن الذين تدعون من دون الله عباد أمثالكم»: إن الغرض من تعريف المسند إليه بالموصولة هو ...

- ١) استهجان التصرير بالاسم!
- ٢) التبيه على خطأ المخاطب!
- ٣) إخفاء الأمر عن المخاطب!
- ٤) التبيه على تحديد المسند إليه!

٣٥ - عین الخطأ في نوع الإطاب:

- ١) «أمدكم بما تعلمون أمدكم بأنعام و بنين» (الإيضاح بعد الإبهام)
- ٢) «ذلك جزيناهم بما كفروا و هل نجازي إلا الكفور» (التكرار)
- ٣) إن تم ذا الهجر يا ظلوم، و لا ... تم، فما لي في العيش من أرب؟ (الاعتراض)
- ٤) يُخبرك من شهد الواقعة أنتي ... أغشى الوغى و أُغفّر عند المغنم! (الاحتراض)

## ٣٦ - عين الخطأ في دلالة الجملات التالية:

- ١) « هل إلى مرد من سبيل » (إيراز المتمنى في صورة المستحيل)
  - ٢) لو تتلو الآيات فتشق سمعي (إيراز المتمنى في صورة الممتع)
  - ٣) « لعل أبلغ الأسباب، أسباب السماوات فأطلع إلى إله موسى » (إيراز المتمنى في صورة الممكن)
  - ٤) يا ليت بيسي و بين أحبتى من بعد ما بيسي و بين المصائب! (إيراز المرجو في صورة المستحيل)
- ٣٧ - « دع المكارم لا ترحل لبغيتها و اقصد، فإنه أنت الطاعم الكاسي! ». في البيت .....

- ١) كمال الاتصال بين « دع المكارم » و « أقصد »
- ٢) كمال الانقطاع بين « دع المكارم » و « لا ترحل لبغيتها »
- ٣) شبه كمال الاتصال بين « دع المكارم » و « لا ترحل لبغيتها »
- ٤) كمال الاتصال بين « دع المكارم ... » و « لا ترحل... »

## ٣٨ - عين الاستعارة التمثيلية:

- و كيف تمسك ماء قنة الجبل!  
إذا كنت تبنيه و غيرك يهدم!  
عليه، و كم بالك بأجفان شادين  
إلى البحر يسعى أم إلى البدر يرنقي!

## ٣٩ - عين ما ليس فيه الاستعارة التبعية:

- ١) « اليوم نختم على أفواهمهم »
- ٢) « فليدع ناديه سندع الزانية »
- ٣) « فإذا هم من الأجداث إلى ربيهم ينسلون »
- ٤) « و آية لهم الليل نسلخ منه النهار فإذا هم مظلمون »

## ٤٠ - عين ما ليس فيه المجاز المرسل:

- ١) « فليدع ناديه سندع الزانية »
- ٢) « ... و يجعل لكم جنات و يجعل لكم أنهازا »
- ٣) « و كأين من قرية عنت عن أمر ربها و رسle ... »
- ٤) « يوم تشهد عليهم ألسنتهم و أيديهم و أرجلهم ... »

٤١ - « و تعظم في عين الصغير صغارها و تصغر في عين العظيم العظام ». عين الخطأ عنا في البيت:

- |                       |                  |             |
|-----------------------|------------------|-------------|
| ١) العكس              | ٢) نشابة الأطراف | ٣) المقابلة |
| ٤) رد العجز على الصدر |                  |             |
- ٤٢ - « يا رسول الله لو عاينتهم و هم ما بين قتل و سبا  
من و مرض يمنع الظل و من عاطش يسفى أثابيب القنا ». في البيتين .....  
 ١) الجمع  
 ٢) التفريق مع الجمع  
 ٤) الجمع مع التفريق و التقسيم  
 ٣) التقسيم

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤٣ - ٧٧)

٤٣ - عین الصحيح عن الشعر الجاهلي:

١) يخلو الشعر الجاهلي من المنطق و الترتيب العقلي!

٢) كان أسلوب القصيدة الجاهلية معقداً يخلو من الفطرة و البداعة!

٣) أخيلاً الشعر الجاهلي واسعة المجال و صوره الشعرية بعيدة المتناول!

٤) لم تكن للشاعر الجاهلي منزلة في قبيلته لأن العرب كانوا يعتقدون أن لكل شاعر شيطاناً يوحى إليه شعره!

٤٤ - عین الصحيح عن شعراء العصر الجاهلي:

١) ولد عدي بن زيد في الحيرة و نشأ فيها و تعلم العربية و الفارسية!

٢) كان «زهير بن أبي سلمى» يتربّد إلى بلاط المناذرة في الحيرة و كان شاعرهم!

٣) كان «عترة بن شداد» شاعراً من الصناعيّة، حادَ البصر و السمع و أصبح طول عمره عدوًّا لبني هذيل!

٤) كان «طرفة» من المعمرّين شارك في حرب البسوس و له معلقة مطلعها:

أبا هند فلا تعجل علينا  
و أنظرنا نخبرك بيفينا!

٤٥ - عین الصحيح للفراغ:

إن ... شاعر من أصحاب المعلقات نشاً يتيماً و لقي من أعمامه ظلماً. قتل و هو ابن ست وعشرين سنة!

١) إمراً القيس      ٢) طرفة بن العبد      ٣) لبيد بن ربيعة      ٤) عترة بن شداد

٤٦ - عین الصحيح: كعب بن زهير شاعر أوسى فمن ميزات أسلوبه الشعري .....!

١) الاهتمام بالخيال و العواطف القلبية!      ٢) سيطرة الحس في وصف الأشياء!

٣) الاستهلال بالغزل في أول القصيدة!      ٤) كثرة الألفاظ و المعانى الجديدة و المصنوعة!

٤٧ - عین الصحيح: من أهم أسباب إيجاد الغزل الإباحي في الحجاز هو .....

١) خطأ الأميين لصرف الناس عن السياسة!

٢) كثرة الأموال و وفرة الثروة بين أوساط الشعب!

٣) انتشار المغنيّات و المغنيّات و تشكيل نوادي الغناء!

٤) إنقاء الناس إلى الزهد و التصوف للهروب من النوايب!

٤٨ - عين الصحيح فيما يتعلق بالشعر السياسي في عهد بنى أمية:

- ١) أنكر الموالي على بنى بنى أمية جعلهم الخلافة وراثة فيما بينهم دون سائر قريش!
- ٢) شعراً الخواج كانوا نفسيين يمدحون الملوك طمعاً في عطائهم أو خوفاً من عقابهم!
- ٣) حارب الخواج الأستقرارطية الجنسية أو القبلية و دعوا إلى المساواة الإسلامية؛ و من شعرائهم عمران بن حطآن!
- ٤) ذهب الزبيرون إلى أنَّ الخلافة حق مشترك و دعوا إلى المساواة الإسلامية، و من شعرائهم الطرماح ابن حكيم!

٤٩ - عين الصحيح للفراغ:

إن ... شاعر النضال الأدبي، كانت ميزة الهجاء الأولى عنده الغفر، و كان الغفر أقوى سلاح له. لشعره قيمة تاريخية لما حوى من معلومات عنه و عن قومه و عن أمية. كان مدحه صورة لنزعته الجاهلية و بيته الأموية!

- ١) الحطينة
- ٢) الفرزدق
- ٣) الأخطل
- ٤) الكميت الأدبي

٥٠ - عين الخطأ في التشابه و التفارق بين الأخطل و الفرزدق و جرير:

- ١) ثلاثة من شعراً القائض، لكن الغزل في شعر الأخطل جعله متميّزاً عن الآخرين!
- ٢) كلّ منهم يهجو الآخر، و الأخطل كان مسيحيّاً و الفرزدق مسلماً و الآخر مال إلى ابن الزبير!
- ٣) لثلاثتهم أشعار سياسية و سمّي الأول بشاعر البلاط و الثاني بشاعر الغفر و الثالث بشاعر العاطفة!
- ٤) كلّهم كانوا من وسائل إعلام زمانهم، و كان الأخطل لسان التّغليبيّن و الثاني التّميميّن و الثالث القيسيّين!

٥١ - ماهي عناصر الشعر الثلاثة عند الجاحظ؟

- ١) البيئة، البلاغة، اللّفظ
- ٢) الإطناب، الإيجاز ، البلاغة
- ٣) الغريبة، البيئة، العرق
- ٤) اللّفظ، المعنى ، الوجوه البيانية

٥٢ - عين الصحيح: الجاحظ و ابن فتيبة من رواد المنهج ...

- ١) اللغوي!
- ٢) الكلامي!
- ٣) الفلسفى!
- ٤) الموازنى!

٥٣ - قال ابن الأثير: «أراد البحترى أن يشعر فقى!». عين الصحيح في مناقشة الكلام:

- ١) شعر البحترى قوى المضمون كثير الصنعة قوى الرّزخرفة و الوشى!
- ٢) رجح الشاعر كفة المعنى فجاء بمضامين حيث إن المخاطب يطرب حين يسمع!
- ٣) عني الشاعر عناية خاصة بالملامدة بين اللّفظ و المعنى حيث جعل اللّفظ صورة ناطقة للمعنى!
- ٤) كان البحترى شاعر الطّرب، فالمعنىون اختاروا شعره لما وجدوا فيه من المضامين الغنائية تفيدهم في الغناء!

٥٤ - عين الصحيح في انتساب الكتب النقية التالية إلى مؤلفيها:

- ١) المثل السائر لضياء الدين ابن أثير / نقد النثر لابن سلام الجمحى
- ٢) جمهرة أشعار العرب لأبي زيد القرشي / الشعر و الشعراء لابن رشيق
- ٣) طبقات حول الشعراء لأبي هلال العسكري / نقد الشعر لقدماء بن جعفر
- ٤) عيار الشعر لابن طباطبا / الوساطة بين المتنبي و خصوصه للقاضي الجرجاني

## ۵۵ - عین الخطأ:

- ۱) الشعر في مذهب الصنعة زخرفة و تميّق!
  - ۲) الشعر في رأي أصحاب مذهب التصنيع ترصيع و بديع!
  - ۳) النقد الأدبي في العصر العباسي تجاوز حدود الذوق إلى التعليل و التفسير!
  - ۴) عالج النقد في العصر العباسي قضية المطبوع و المصنوع و اللفظ و المعنى!
- ۵۶ - عین الخطأ حول «التجديد» في الشعر العباسي!

- ۱) القصد منه في هذا العصر هو تغيير الرؤية بتأثُّر و التزوع مما كانوا عليه!
  - ۲) لم يعن المؤرخون منه أمراً إيجابياً يغير تقاليد المجتمع تغييراً جذرياً يزيد سيئاته!
  - ۳) المجددون في هذا العصر جمعوا بين التقليد و التجديد، فلا تجد شاعراً مجدداً بحتاً!
  - ۴) الغرض منه هنا هو « حدوث شيء لم يكن » و هذا أمر يمكن أن نجده في كل العصور!
- ۵۷ - عین الصحيح عن «أدب الحركة المعاكسة»:

- ۱) تدرج الأدب نحو الزخرف إلى حد الإغراق في الصنعة!
- ۲) رجع الأدب إلى القديم و هذا الرجوع متأثر بالحركة الرجعية التي سبقته!
- ۳) تغطّي هذه الفترة من فجر العهد العباسي إلى أوائل القرن الثالث الهجري!
- ۴) مال الشعراء إلى التقليد القديم و قد ظهرت في شعرهم آثار العقلية اليونانية!

- ۵۸ - عین الصحيح فيما يتعلق بأبي العلاء المعري:
- ۱) مهد سبيل الشعر العقلي لأبي تمام!
  - ۲) كان سيف الدولة معجبًا بمحامته و أعماله!
  - ۳) كتب رسالته «الدرعيات» لبيان الناس معة عفو الله على لسان ابن القارح!
  - ۴) إنقد كثيراً من العلماء في الأخبار الدينية و هو يفعل ذلك بتهمكم من شديد!
- ۵۹ - شاع الغموض في شعره و كان إذا اعرض عليه أحد و قال له: « لماذا تقول ما لم يفهم؟» يجيب: « لماذا لا تفهم ما يقال؟ » ... على من يصدق؟

۱) المعري      ۲) البحتري      ۳) أبي تمام      ۴) المتنبي

## ۶۰ - عین الخطأ عن بشّار بن برد:

- ۱) قيل إن بشّاراً قد تصدّى لجرير بالهجاء كي يردّ عليه، و لكنّ جريراً لم يلتفت إليه!
- ۲) كان بشّار صلة بين العهدين القديم و الجديد و هو أول من خرج عن سنة التقليد الأعمى!
- ۳) هناك نقطة خطيرة في تجديد بشّار، و هي أنه أنزل الشعر العربي من الطبقة الأرسقراطية!
- ۴) «الزهدية» هو العنوان الذي أطلق على تلك القصائد التي قالها بشّار في أخيرات عمره و تظهر فيها نزعته الشعوبية!

- ٦١ - عين الصحيح للفrag: إن ... كان رأس الطبقة النثرية التي امتازت كتابتها في العصر العباسي بالوشي والزخرف و الموازنة بين الجمل و الميل إلى التراصف و الإطناب، و عرف بالجاحظ الثاني!
- ١) الخوارزمي      ٢) ابن العميد      ٣) ابن الزيات      ٤) بديع الزمان الهمذاني
- ٦٢ - عين الصحيح للفrag: إن ... يمثل صور الانتقال من الأدب الأموي إلى الأدب العباسي في الأندلس و له رسالة هزلية ينحو نحو الجاحظ في رسالة التربيع و التدوير!
- ١) ابن شهيد      ٢) ابن زيدون      ٣) ابن عبد الله      ٤) المعتمد بن عباد
- ٦٣ - قال ابن شهيد متكلما عن شعر عصره: «ليس لسيبوه فيه عمل ولا للغرايدي إليه طريق». كيف تعلل ذلك؟
- ١) لأنّه قد شاعت العامية في الشعر الأندلسي شيئاً كثيراً!
  - ٢) لأنّ لغة الأندلسيين أكثر استحكاماً من لغة المشارقة!
  - ٣) لأنّه ظهرت في الشعر الأندلسي نزعة إبداعية قصصية تستقرّ تاريخ الموصوف!
  - ٤) لأنّ الشاعر الأندلسي اقتبس الكثير من الفلسفة و المنطق فكانت معاناته الشعرية عميقاً!
- ٦٤ - عين الخطأ:
- ١) شعر الاستغاثة من فنون الشعر التي استحدثها شعراء الأندلس!
  - ٢) للمشارقة فضل السبق إلى شعر الحنين و الأندلسيون قد تقدّموا عليهم فيه!
  - ٣) كان شعراء المشرق قد سبقو إلى شعر الاستجاد، و الأندلسيون قد فاقوهم فيه كمّا و كيّاً!
  - ٤) أكثر الشعراء الأندلسيين لهم أشعار في رثاء مدنهم حتى صار رثاء المدن و الملوك فـا شعرياً قائماً بذاته!
- ٦٥ - عين الخطأ في أسباب ضعف الكتابة في عصر الانحطاط:
- ١) فساد الذوق و الاهتمام بتأليف الكتب الموسوعية العامة!
  - ٢) ضعف الملوكات و المواهب بشيوع العجمة و العي!
  - ٣) محاربة هذا العصر للثقافات العقلية من فلسفة و منطق!
  - ٤) العزلة التي عاش فيها الأدباء و عدم رحلات إلى خارج البلاد!
- ٦٦ - ماهي أدلة طه حسين على أنّ الشعر الجاهلي منحول؟
- ١) لأنّه لا يمثل الحياة الجاهلية و لا اللغة العربية و لا اللهجات العدنانية!
  - ٢) لأنّه قد نُقل عن طريق رواة اثذروا الرواية و مسللة للارتقاء و إثارة العصبية!
  - ٣) لأنّه تفسير و تزيين للقصص و مناسب إلى رواة يدعون إلى المباهاة و المفاجرة!
  - ٤) لأنّه منتب إلى شعراء غير معروفين، و يقوى المنافسات السياسية و المفاخرات القبلية!
- ٦٧ - عين الصحيح:
- ١) اشتهر إبراهيم ناجي بشاعر الوطنية اللبناني و القومية العربية!
  - ٢) يُعرف بشارة الخوري بالأخطل الصغير و اشتهر بشاعر المرأة و الخمر!
  - ٣) كان أحمد زكي أبو شادي متحرجاً في شعره و تفكيره و أسلوبه و اشتهر بالتشاؤم!
  - ٤) التحق إبراهيم طوقان بمدرسة أبولو و سار في شعره مساراً مهجرياً و له ديوان عنوانه «ليلي القاهرة»!

- ٦٨ - عين الصحيح: أخذ أحمد شوقي عن كلّ أديب أفضل ما عنده، فعلى سبيل المثال عن .....  
 ١) أمرى القيس وصفه وبكاءه للمحبوبة!      ٢) أبي تمام المعانى الرفيعة والأمثال و الحكم!  
 ٣) أبي نواس خياله و عواطفه العذريّة!      ٤) البحتري المفاهيم و الحكمة و ضرب الأمثال!
- ٦٩ - قال جبران خليل غاضباً: « لكم نعتكم و لي نعني ... لكم منها القواميس و المعجمات و المطولة ، و لي منها ما غربته الأذن و حفظته الذكرة من كلام مأثور ... لكم منها الرثاء و المديح و لي منها ما ينكّب عن رثاء من مات و يأبى مدح من يستوجب الاستهزءاء .... ». ماذَا تفهم من هذه العبارات؟  
 ١) هاجم جبران اللغة العربية و يدعو إلى الكتابة بالإنجليزية!  
 ٢) هذه ثورة عامة على اللغة وأساليبها في الشعر و النثر جميعاً!  
 ٣) حاول جبران أن يواجه الحركة التي نشأت في مصر على يد البارودي!  
 ٤) يعترض جبران و هو غاضب بأنّه لم يبرع الكتابة العربية و لم يصل إلى ما وصل القدماء إليه من الفن و البراعة!
- ٧٠ - عين الخطأ في المقارنة بين شوقي و جبران خليل جبران:  
 ١) كان جبران ينكر الوطنية و يجدّ إمحاء الملك و الأمم، خلافاً لشوقي!  
 ٢) أوسع شوقي صدره - خلافاً لجبران - لجميع البيانات، لكنه كان متممّكاً بيديه!  
 ٣) كان شوقي بين القديم و الجديد، ولكنّ جبران تأثر على القديم و مائل إلى الجديد!  
 ٤) كلاهما مرّ بمراحل: التقليد و الانتقال و التجديد، لكنّ ميزة جبران الإبداعية أشدّ و أقوى!
- ٧١ - عين الصحيح: إنّ منهج سليمان البستاني في مقدّمه لترجمة « الإلإادة » لهميروس منهجه .....  
 ١) لغوي!      ٢) نفسى!      ٣) اجتماعي!      ٤) مقارن!
- ٧٢ - عين الصحيح: إنّ المنهج الفئي في النقد الأدبي هو منهجه نفدي ينظر في .....  
 ١) مدى استخدام الصنائع البدوية، و الوجوه البيانية!  
 ٢) ما في الأثر من الوجوه البيانية، كالمجاز و الكناية!  
 ٣) نوع الأثر، قصيدة هو، أم أقصوصة، أم رواية .....!  
 ٤) ما في الأثر من الصنائع اللفظية و أثرها في تجميل الكلام!
- ٧٣ - عين الخطأ في المنهج النفسي:  
 ١) بيان تأثير المتنقّي بالأدب!  
 ٢) معرفة سيرة المؤلف لفهم إبداعه!  
 ٣) نظرية الانعكاس و الايدئولوجية!  
 ٤) العامل الشعوري المتشكل من خلال عملية الإبداع!

٧٤ - عين الصحيح عن التيار الرومنطيقي و زعيمه عند العرب:

- ١) أراد أن يتوجه إلى الحياة كما هي و يعالج قضيتها/ نزار قباني!
- ٢) طبع بطابع الذاتية و الفردية و التأملية و الروح الغيبية/ إلياس قنصل!
- ٣) هو التعبير عن الأمور بالتمثيل يخالف سنة الشعر المأثور/ بشر فارس!
- ٤) قد انبع من ويلات الحرب، مظهره الرجوع إلى الماضي و اللواد إلى الطبيعة/ خليل مطران!

٧٥ - عين الخطأ عن خصائص المدرسة الرمزية:

- ١) عرف الشاعر السوري «أدونيس» بزعيم الرمزية في الأدب العربي!
- ٢) جاءت المدرسة الرمزية كرد فعل عنيف على أسلوب الفكر العادي!
- ٣) المذهب الرمزي أو الإيحائي هو التعبير عن المعانى الكامنة في النفس التي لا تستطيع اللغة المعتادة الكشف عنها!
- ٤) ظهرت طلائع الاتجاه الرمزي في الأدب الألماني على يد «جيته» و في الأدب الأمريكي على يد «إدجار آلان بو»!

٧٦ - عين الصحيح عن مدرسة المتطرفين:

- ١) حاولت التجديد على أساس الأدب العربي القديم و قد بقي التجديد عندها ضعيفاً!
- ٢) حاولت التجديد متاثرة بالغرب و قد غلت عليها أولًا النزعة الواقعية ثم نزعة رومانطيقية!
- ٣) استعارت من شعراء الغرب معارض التفكير و الشعور و قد نزعت أولًا نزعة رومانطيقية ثم نزعة رمزية!
- ٤) نزعت إلى توجيهه الشعر نحو الفن الصحيح و النطاف إلى الناحية الإنسانية، و من أشهر شعرائها عمر أبو ريشة و معيد عقل!

٧٧ - عين الصحيح فيما يخص بالمدارس الأدبية:

- ١) جاءت المدرسة الرومانسية في القرن العشرين كرد فعل على الواقعية!
- ٢) جاءت المدرسة الرمزية حيث شعر الأدباء باسم الاتجاه الرومانسي!
- ٣) بدأت الوجودية في بداية الأربعينات من القرن العشرين و المحور الأساس فيها هو الالتزام في الأدب!
- ٤) دعت السريالية إلى مفهوم جديد للصلة بين الإنسان و الكون و بين الفرد و الجماعة و ناضلت من أجل حقوق الإنسان!

■ ■ ■ اقرأ النصوص التالية (ألف - ب - ج - د - ه) ثم أجب عن الأسئلة (٧٨ - ١٠٠) بما يناسب النص:

ألف (٨٠-٧٨)

﴿ هل أنتك حديث الغاشية وجوه يومئذ خاشعة عاملة ناصبة تصلني ناراً حامية شفقي من عين آنية ..... فيها عين جارية فيها سرر مرفوعة وأكواب موضوعة ونمارق مصفوفة وزرابي مبتوثة﴾  
٧٨ - عين الصحيح: الغرض من ....

- ١) زرابي مبتوثة = وسادة مبسوطة  
٢) نمارق مصفوفة = أميرة منظمة  
٣) عين آنية = ماء موجود في اللحظة  
٤) حديث الغاشية = الكلام الذي فيه لبس  
٨٠ - عين الخطأ:

١) المقصود من الخاشعين هم الذين يخافون من ربهم!  
٢) ليس أهل النار من المتعمعين في الدنيا، بل ربما من الكاذبين!  
٣) بعض من يدخل النار هو الذي يجتهد في الدنيا و يجاهد فيها!  
٤) مقاعدهم و مجالسهم لم تلتصق بالأرض، بل ارتفعت و فاقت الأرض!  
٨٠ - من ميزات ظاهرة الغاشية:

- ١) إذا وقعت لا نجد فيها الطريق الأوسط!  
٢) لم يكن شيء إلا و لها عليه استيعاب!  
٣) فيها صفات و حالات لا تتغير أبداً فكأنها خالدة!  
٤) هناك حالات و أعمال لا يتصرف الإنسان فيها بنفسه!

ب (٨٣-٨١)

و قد كان من انتشار حبلكم و شفاقكم ما لم تغبوا عنه، فعفوت عن مجرمكم و رفعت السيف عن مدبركم و قبنت من مقبلكم. فإن خطت بكم الأمور المردية و سفة الآراء الجائرة إلى منابذتي و خلافى فها أناذا قد قررت جيادي و رحلت ركابي؛ و لنن أنجاتموني إلى المسير إليكم لأوقعن بكم وقعة لا يكون يوم الجمل إليها كلعة لاعق مع آني عارف لذى الطاعة منكم فضله و لذى النصيحة حقه غير متجاوز متهمًا إلى بريء و لا ناكثاً إلى وفي!

- ٨١ - كيف كان الإمام يقيم هذه الجماعة من البصريين؟  
١) إذا وقعت الحرب يشتغلون بها كلعة لاعق!  
٢) هؤلاء إنفسقوا متعامين لا يعرفون معبة ما قاموا به!  
٣) ليسوا منحرزين فمنهم مارق و منهم شاهر السيف!  
٤) يراهم رمادية، فيهم محسن و مسيء و عالم و جاهل!

- ۸۲ - عین الصحيح:

- ۱) إذا حدث ما حدث يصاب حابهم و نابهم!
- ۲) دارت الذئبا بهؤلاء المنشقين فرأى كلهم جزاء ما عملوا!
- ۳) أخذ الانفصاليون يخالرون و يهبيتون للشقاق و يشهرون السيف!
- ۴) قد يكون بعض من ذوي الفضل في ما بين هذه الجماعة من البصريين!

- ۸۳ - عین الخطأ:

- ۱) هؤلاء الانفصاليون لم يكونوا أقوى و أشد من سابقهم!
- ۲) بعض من هؤلاء المعاندين قد تخروا عن عاذهم و شقاهم!
- ۳) كان العناد و الرفض عند البصريين معلوماً لم يحتاج إلى الإثبات!
- ۴) كان الإمام هياً جيشه و رحل مرکبه و بدأ يتحرك نحو الانشقاقيين!

(ج) (۸۹-۸۴)

و قد أنشد الشاعر الخصين بن الحمام المزى الذي عاش في العصر الإسلامي:

- |                            |   |
|----------------------------|---|
| ۱- و قافية غير أنسية       | ۲- شرود تلمع في الخافقين                                    |
| إذا أنشدت قيل: من قالها؟   | ۳- و حيران لا يهتدى بالنهار                                 |
| من الظعن يتبع ضلالها،      | ۴- و داع دعا دعوة المستغيث                                  |
| فكنت كمن كان لبى لها،      | ۵- إذا الموت كان شجا في الخلق                               |
| و بادرت الن فمن أشغالها،   | ۶- صبرت و لم أڭر غديدة                                      |
| و للصبر في الزوع أنجى لها، | ۷- و يوم تسفر فيه الحروب                                    |
| لبست إلى الزوع سربالها،    | ۸- مضافة السرد عاديَّة                                      |
| و غضب المضارب مفصالها،     | ۹- و مطردا من زينة  |
| أذوه عن الورد أبطالها!     | ۱۰- عين البيت الذي يتكلّم الشاعر عن كيفية الدرع التي لبسها؟ |

۱) الثامن      ۲) السابع      ۳) السادس      ۴) التاسع

۱۰- ما هي ميزة هذه القصيدة الكلامية التي أنشدها الشاعر؟

- ۱) تندد عن الأبطال!
- ۲) هي تحرّض السامعين للقتل!
- ۳) تجيب دعوة المستغيث!
- ۴) ما أنشأها خارجة عن طاقة البشر!

## ۸۶- عین الخطأ:

- ۱) شهرة هذه القصيدة قد تلأّلت في شرق العالم و غربها!
- ۲) هذه القصيدة المنشودة لا تماطلها ما أنشدها في ما قبل!
- ۳) لم يكن الشاعر عجولاً، بل يعتقد أن لكل ثمرة وقتاً لإيناعها!
- ۴) صاحب هذه الملفوظات يتمتع بقوّة شعرية كما يتجلّد صنديداً من الصنديد!

## ۸۷- عین الخطأ: من مواصفات الشاعر أنه ....

- ۱) كان صنديداً!
- ۲) لم يكن جباناً!
- ۳) كان مستغيثاً!
- ۴) صاحب كم قريضٍ!

## ۸۸- ماذا يقوم به الشاعر عند اشتداد الحرب؟

- ۱) يأخذ رمحاً رديئاً ليتّنطر هجوم المحاربين!
- ۲) يلبس لباس الحرب ويجعل نفسه مهيأً للقتال!
- ۳) يلوذ بالصبر لأنّه من أسباب نجاته من الهلاكة!
- ۴) يمنع أبطال الحرب من شرب الماء لشدة قتاله معهم!

## ۸۹- عن الصحيح في ترجمة المصارع التالية:

- ۱) صبرت و لم أك رعدية = لم أكن عجولاً و ما كنت كالرعد حين يرعد!
- ۲) و عضب المضارب مفصالها = كالجماعة الضاربة التي تقطع المفاصل وأعضاء الجسم!
- ۳) و حيران لا يهتدى بالنهار = هناك متّحرون لا يعرفون النهار فخلطوا بين الليل والنهر!
- ۴) شرود نلمع في الخافقين = قصائد مشهورة سائرة على الألسن لها شهرة في الشرق والغرب!

د (۹۵-۹۰)

و أنشد المتنبي مخاطباً أمير البلاد:

- |                              |                                  |
|------------------------------|----------------------------------|
| و من بجسمي و حالى عنده سقم!  | ۱- واحرّ قلباه ممن قلبه شيم      |
| لك المهابة ما لا تصنع البهم! | ۲- قد ناب عنك شديد الخوف واصطنعت |
| و يسره الخلق جزاها و يختصم!  | ۳- أنام ملة جفوني عن شواردها     |
| حتى أنته يذ فراسة و فرم!     | ۴- و جاهل مذه في جهله ضحكي       |
| أدركثها بجود ظهرة حرم!       | ۵- و مهجة، مهجي من هم صاحبها     |
| شعب البزاة سواه فيه و الرؤم، | ۶- و شر ما فتصته راحتى فتص       |
| تجوز عنك، لا غرب و لا عجم،   | ۷- باي لفظ تقول الشعر زعنفة      |
| قد ضمن الدر، إلا أنه كلم!    | ۸- هذا عتابك! إلا أنه مقمة       |

٩٠ - عین الخطأ:

١) الآخر لا يحاسب ولا يحفل به فإنه لا قيمة له في حساب الشاعر!

٢) ما ظهر في هذه الأبيات هو نزعة من الترعرعات الترجسية!

٣) يعتقد الشاعر أنه بكلامه يظهر ألامه وأحزانه!

٤) إن ظاهر كلام الشاعر لا يساوي ما يقصد!

٩١ - في أي بيت يشتكي الشاعر من عمل الأمير حيث ساوي في العطاء بين الشاعر وبين الآخرين:

- |           |           |           |           |
|-----------|-----------|-----------|-----------|
| ١) الثاني | ٢) الخامس | ٣) السادس | ٤) الثامن |
|-----------|-----------|-----------|-----------|

٩٢ - في أي بيت يتكلم الشاعر عن قدرته الشعرية الفريدة؟

- |           |           |           |           |
|-----------|-----------|-----------|-----------|
| ١) السابع | ٢) الرابع | ٣) الثالث | ٤) الثامن |
|-----------|-----------|-----------|-----------|

٩٣ - عین الصحيح في ترجمة البيت الخامس:

١) رب شخص همه قتلني و أنا قد أدرك هذا بفروض من ركبه أمن من أن يلحق!

٢) حياتي رهينة هموم أقربائي وقد حصلت على هذه الحياة بمركب فريد لا يركب أحد!

٣) وما في عروقي من الدم هو من أحزان أصحابها وأنا قد وصلت إلى هذا بمركب ووسيلة لا يشاهده المراكب الأخرى!

٤) وهناك روح قد امتحنت هموم أصحابها مع روحي ودمي وقد أوصلت نفسي إليها بمركب كان ظهوره أمناً لا يسقطني!

٩٤ - كيف يصف الشاعر مخالفيه؟

١) أشداء جبناء يسهرون الليلالي فهم يساوون بين العرب وبين العجم!

٢) أولئك لا يميزون بين العرب وغيرهم فيزعمون غيرهم أصيروا بالجهل!

٣) هولاء جهلة مرضى لا يعرفون شيئاً من الحياة اللهم إيمانهم يدعون البطولة!

٤) هم سفلة يخدعون لكرهم في نفس الوقت يشبهون الطيور الوحشية الكبيرة الجنة!

٩٥ - عین الصحيح في ترجمة البيت الأول:

١) أتوجع من قلب محروم يشقق على الآخرين والذى قد نال سقماً و مرضاناً بعد شدة تلك الوجعات المؤلمة التي رأها!

٢) وا حر قلبي و احتراقه بمن هو قليل الحسن بارد لا يحفل بي و لا يقبل علي و أنا عنده عليل الجسم لفرط ما أعاني و أقصي فيه!

٣) قلبان إثنان ( ما في الظاهر و ما في الباطن) اللذان كانوا لا يشعران بشيء و هما يعتبرانني مريضاً و علياً!

٤) الويل و الأمان لمن كان له قلب ينبض بالحرارة و الذي يراني سقماً و لا يجد في خيراً!

۹۶-۱۰۰ هـ

إن «رولان بارت» من أصحاب فكرة موت المؤلف يؤكد أنه لا معنى من دون بينصية. كل نص هو بينص. فإن التناص في نفس الوقت هو تأكيد للتمزد التفكيكي على سلطة التفسير الواحد أو المعتمد. فهذا الكلام هو عكس ما نادت به البنية من كلام على تماسك النص و انغلاقه، أو ما كان يتحدث عنه في النقد التقليدي من أن النص وحدة متماسكة يمكن فهمه و السيطرة عليه. ولكن هذه الوحدة التماسكية تغير عنا كان في البنية لأنها لا تغلق أبواب النص أمام المؤثرات.

و التفكيكي يعتقد أن القارئ في معزل عن قصدية المؤلف فاستبدل قصدية المؤلف بقصدية القارئ و هو لا يقوم باكتشاف المعنى بل يعيد كتابة النص. قد يقول البعض إن هناك بضعة ضوابط تحكم تعامل الفرد مع النص و أبرزها أن أفق توقعات القارئ جزء من أفق توقعات الجماعة المفسرة. و هذا ما يفتح الباب أمام فوضى التفسير!

۹۶- ما المقصود من عبارة «لا معنى من دون بينصية»؟

۱) البنصية هي المعنى المنفرد الذي يخطر ببال القارئ.

۲) اختفى المعنى بين التصوص فلا تجده موزعاً بينها أبداً.

۳) لا يمكن فهم النص من دون الرجوع إلى التصوص التي سبقته.

۴) البنصية تؤكد أن المعنى لا يوجد في ظواهر التصوص بل في بواطنها.

۹۷- عين الخطأ عن التفكيكية و البنصية و البنوية:

۱) البنوية تغلق الأبواب على النص بخلاف التفكيكية و البنصية.

۲) هذه الثلاثة تشارك في قبول موت المؤلف و غياب المعنى في النص.

۳) البنوية و التفكيكية تؤكدان على عدم وجود التماسك في نص واحد بخلاف البنوية.

۴) الشابه بين الأولى و الثانية أن كليهما تخالف التفسير الواحد و أما الثالثة فهي صامدة عن ذلك.

۹۸- عين الخطأ:

۱) في النقد التقليدي إمكان تحديد المعنى و استيعابه في النص موجود.

۲) قصدية المؤلف تسبّب قبول قول الفائلين باكتشاف المعنى بخلاف رفضها.

۳) تفسير النص عند التفكيكي لا يسبب خلق معنى جديد يخالف عما كان عند القارئين.

۴) التماسك النصي عند التقليديين يشابه ما يعتقد به الآخرون فإنه يعني تطهير داخل النص من أي وجود أجنبى إلا نفس النص.

۹۹- من أسباب الفوضى في تفسير النص:

۱) اختيار التناص في عملية فهم النص.

۲) استبدال قصدية المؤلف بقصدية القارئ.

۳) إدخال الجماعات المفسرة للإدراك من النص.

۴) احتساب توقعات القارئ جزءاً من توقعات الجماعة المفسرة.

١٠٠ - عین الخطأ: من تبعات قبول البيئية .....

- ١) إنزلاق المعنى و ضياعه.
- ٢) عدم وجdan المعنى الإبداعي.
- ٣) فقدان القراءة الوحيدة.
- ٤) لا يوجد النص المتفاوت المستقل.



